حادثه‌ها

حضور به‌موقع آتش‌نشانان

● **شرق:** حضور به‌موقع آتش‌نشـانان از گسترش حریق در یک انبار چوب جلوگیری کرد. این انبار چوب واقع در خیابان خلیج‌فارس، خیابان ابوسعید، کوچه رضایی شامگاه یکشنبه طعمه حریق شد و لحظاتی بعد اعضای شیفت «ث» ایستگاه ۱۶سازمان آتش‌نشانی در محل حادثه حاضر شدند و حریق را خاموش کردند. یکی از شاهدان این حادثه گفت: «محل حادثه پر از چوب بود و آتش می‌توانست وسعت پیدا کند اما به محض اینکه با مرکز ۱۲۵ تماس گرفتیم، آتش‌نشانان رسیدند و خیلی سریع آتش را خاموش کردند که واقعا جای تشکر دارد.»

دستگیری عاملان سرقت مسلحانه

● **شرق:** عاملان سرقت مسلحانه از یکی از موسسات مالی و اعتباری در مشهد دستگیر شدند. مهرماه سال‌جاری گزارش سرقت مسلحانه از موسسه مالی و اعتباری آرمان بدر توس به فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ اعلام شد و کارآگاهان در کوتاه‌ترین زمان خود را به محل رساندند. ماموران پلیس آگاهی با بررسی تصاویر ضبط شده از دوربین‌های مداربسته موسسه، به نتیجه نرسیدند اما اینکه سارقان از وضعیت داخلی موسسه اطلاع داشتند فرضیه همکاری یکی از کارکنان با عاملان سرقت را قوت بخشید. در این ارتباط تحقیقات پلیس ادامه یافت و کارآگاهان پس از گذشت ۱۰روز توانستند یکی از کارکنان موسسه که جوانی ۳۱ساله است را به عنوان مظنون با هماهنگی مقام قضایی دستگیر کنند. متهم در بازجویی‌های به‌عمل آمده دچار تناقض‌گویی شد و نتوانست پلیس را از مسیر اصلی تحقیقات منحرف کند. در حالی‌که بازجویی‌ها از کارمند موسسه ادامه داشت بررسی‌های علمی این پرونده به سرنخ‌هایی رسید که منجر به شناسایی عاملان سرقت مسلحانه شد و پلیس در اقدامی غافلگیرانه دو برادر را که با ایجاد رعب‌ووحشت و تهدید اسلحه، مرتکب سرقت شده بودند شناسایی و دستگیر کرد. سارقان مسلح اظهار کردند با همکاری کارمند موسسه و اطلاعاتی که او از وضعیت محل در اختیارشان گذاشته دست به‌سرقت زدند. عامل اصلی این سرقت مسلحانه که دانشجوی رشته حسابداری است گفت: برادرم سعی می‌کرد مرا از این کار منصرف کند و حتی چندبار دیگر هم رفتیم تا سرقت کنیم اما او نگذاشت. آن روز (سیزدهم مهرماه) به حرف‌هایش توجهی نکردم و به داخل موسسه رفتم. برادرم هم دنبالم آمد. من با شکستن شیشه پیشخوان به وسیله تبر و همچنین تهدید اسلحه ساک مسافرتی را به دوستم که کارمند بانک است دادم و او که به‌ظاهر وانمود می‌کرد ترسیده، پول‌ها را داخل ساک ریخت و به دستم داد. ما با موتوسیکلت برادرم از محل گریختیم. اصلا فکر نمی‌کردیم دستگیر شویم. روز بعد دومیلیون‌وصدهزارتومان به دوستم دادیم. تحقیقات در این رابطه ادامه دارد.

ادعای عجیب و تاییدنشده یک متهم:

۱۵ کودک را کشته‌ام

شرق: مردی که به‌دنبال سوءظن ماموران پلیس شهرری دستگیر شد در همان بازجویی‌های اولیه ادعای عجیب و هولناکی را مطرح کرد و گفت ۱۵کودک را به قتل رسانده است. ادعای این مرد ثابت نشده و هنوز مدرکی که گفته‌های او را تایید کند به دست نیامده ضمن اینکه این احتمال وجود دارد که وی به بیماری روانی مبتلا باشد به همین دلیل تحقیقات از متهم آغاز و متهم برای بررسی سلامت روانی به پزشکی‌قانونی نیز معرفی شده است.

به گزارش خبرنگار ما، سه روز قبل وقتی ماموران پلیس شـهرری در حال گشـت‌زنی بودند به مردی که کودکی را بغل کرده بود، مشـکوک شدند و او را متوقف کردند. رفتـاری کـه این مرد با کودک داشـت ظن مامـوران را برانگیخت و آنها مرد مظنون را به اداره آگاهی شـهرری انتقال دادند. وقتی مرد جوان مورد بازجویی قرار گرفت خودش را حسین معرفی کرد و گفت اهل خوزستان است و مدت کوتاهی اسـت که به تهران آمده و قصد داشـت دخترک را به قتل برساند زیرا فکر می‌کرد او کارتن‌خواب است و خانواده‌ای ندارد.

وقتی پلیـس هویت دختر را بررسـی کرد معلوم شـد گم‌شدن او سـاعاتی قبل توسـط خانواده‌اش به پلیس اعلام شده بود. متهم در ادامه بازجویی‌ها اعتراف عجیبی کرد. او گفـت: من حدود ۱۵کودک را به قتل رسـانده و گوشت آنها را خورده‌ام. او جزییاتی را هم برای ماموران توضیح داد و گفت سال‌هاست به این کار مشغول است امـا از آنجایی که بچه‌های خیابانی و بی‌سرپرسـت را به قتل می‌رسـاند، کسـی دنبال او نبود. متهم در ادعاهای عجیبش گفت: من خودم آدم فقیری بودم و برای اینکه بچه‌های فقیر بدبختی نکشند آنها را به قتل می‌رساندم. اعترافـات این مرد به قدری شـوک‌آور بود که بلافاصله تحقیقات آغاز و حسین به دستور بازپرس کشیک برای انجام معاینات روانی به پزشکی قانونی معرفی شد. این مرد روز گذشـته برای انجام معاینات به پزشکی قانونی منتقل شـد. او که سـلامت روانی‌اش هنوز تایید نشده است به سوالات خبرنگار ما پاسخ داد.

خودت را معرفی کن؟

من حسین هستم و ۳۷ سال دارم.

اعترافـی کـه دربـاره قتل بچه‌ها داشتی درست است؟

بله من آنها را می‌کشـتم و بعـد هـم گوشت‌شـان را می‌خـوردم البتـه نـه همه قسمت‌های بدنشان را.

مگر می‌شود این تعداد بچه کشـته شوند و پلیس تو را دستگیر نکند؟

من سـال‌ها بود کـه این کار را می‌کـردم چون بچه‌ها بی‌سرپرسـت و همه خیابانی بودند به همین دلیل هم کسی شک نمی‌کرد.

چرا آنها را می‌کشتی؟

چون فقیر و بدبخت بودند.

اینکه دلیلی برای قتل نیست.

مـن می‌دانم فقر چقـدر آدم را اذیـت می‌کند. من سال‌هاست که فقیرم و خیلی بدبختی می‌کشم. بچه‌های فقیر فاسد می‌شـدند. مواد مصرف می‌کردند و بدبخت می‌شدند من هم آنها را می‌کشتم تا بدبختی نکشند.

اولین قتلی که انجام دادی یادت هست؟

دختری را کشتم که فکر می‌کنم ۱۳ یا ۱۴ساله بود تن‌فروشـی می‌کرد خیابان‌خواب بود من هم در فرصت مناسب او را کشتم و بعد هم قسمتی از بدنش را خوردم.

قتل‌ها را چه‌طور انجام می‌دادی؟

همه این بچه‌ها را بـه محل خلوتی می‌بردم و خفه می‌کردم.

قربانیان دختر بودند یا پسر؟

هم دختر بودند هم پسر یادم نمی‌آید چند نفرشان دختر و چند نفرشان پسر بودند. چون آدم‌های فاسدی بودند آنها را می‌کشتم.

از کجا تشخیص می‌دادی که این بچه‌ها فاسد هستند؟

آنهـا بچه‌هایـی بودنـد که کسـی را نداشـتند. سـیگار یا مواد می‌کشـیدند یا تن‌فروشی می‌کردنـد از فقـر ایـن کار را می‌کردند من هم می‌کشتمشان تا دیگر بدبختی نکشـند خودم بدبختی کشـیده بـودم و همه دردهایش را حس می‌کردم.

همه قربانیانت در خوزستان بودند؟

بلـه همگی در آبادان بودند تـازه آمده بودم تهران و می‌خواسـتم این کار را انجام بدهم کـه در اولین مورد بازداشت شدم.

چرا به تهران آمدی؟

بـرای اینکه کار پیدا کنم. در آبـادان که کاری پیدا نکردم.

پس هزینه زندگی‌ات را چطور تامین می‌کردی؟

پولی نداشتم گرسـنه که می‌شدم گوشت بچه‌ها را می‌خوردم اینطوری خودم را سیر می‌کردم.

چه شـد که تصمیم گرفتی بـرای کار به تهران بیایی؟

دیگر خسته شده بودم می‌خواستم کار کنم.

خودت خانواده داری؟

بلـه دو بچـه دارم زن هـم دارم اما بـا آنها زندگی نمی‌کردم سال‌ها بود که از هم جدا زندگی می‌کردیم.

به آنها خبر داده‌ای بازداشت شده‌ای؟

نه برایشـان مهم نیسـت. اصلا چرا باید به آنها خبر بدهم آنها از من خوششان نمی‌آید.

پس چرا ازدواج کردی؟

خانواده‌ام گفتند دیگر باید ازدواج کنی مجردی بس است آنها مجبورم کردند. من خیلی فقیر بودم اصلا کار نداشتم پول هم نداشتم. خودشان برایم زن گرفتند.

چرا بچه‌دار شدی؟

بچه که دسـت خود آدم نیست وقتی زن می‌گیری بچه‌دار می‌شوی کاری نمی‌توانی بکنی. من هم بچه‌دار شدم.

تا کی می‌خواستی به این کارت ادامه بدهی؟

دیگر خسـته شـده بودم. بچه‌هـای بدبخت تمام نمی‌شدند.

بچه آخر را چطور کشتی؟

آخریـن بچه باز هـم در آبادان بود مـن در مناطق بدبخت‌نشـین بچـه می‌کشـتم آنجـا کـه بچه‌های کارتن‌خواب در خیابان زیاد هسـتند. پسر بود جلو آمد و به من گفت سیگار داری؟ گفتم برای چه می‌خواهی؟ گفت اگر داری بده. پرسیدم معتادی؟ گفت آره معتادم. حالم هم اصلا خوب نبود. فکر کنم ۱۱ یا ۱۲سـاله بود. من هم به بهانه اینکه سیگار را جایی قایم کرده‌ام گفتم بیا برویم سـیگار می‌دهم بعد او را به جای خلوتی بردم و کشتمش.

جسدها را در یک محل رها می‌کردی؟

نـه. هرکدام را به گوشـه‌ای می‌بردم. پـدر و مادر نداشـتند من هم می‌دانسـتم کسـی پیگیر نیست شاید اصلا جسدشـان هم پیدا نمی‌شد همینطوری می‌کشتم.

این گوشت‌ها که می‌خوردی چه مزه‌ای داشت؟

مزه فلفل داشـت دهانم می‌سـوخت وقتـی آن را می‌خوردم.

ادعاهای این مرد به هیچ‌وجه مورد تایید قرار نگرفته اسـت. پیش از این نیز چندبـار متهمانی به قتل‌های زنجیـره‌ای اعتـراف کرده اما بعدها معلوم شـده بود اقرارهایشـان مطابق با واقعیت نیسـت با وجود این تحقیقـات از ایـن مرد تا روشن‌شـدن ماجـرا ادامه خواهد یافت.


عکس: شرق

احتمال مرگ مغزی اعدامی زنده‌شده

اعدامی زنده‌شـده که در بیمارسـتان امام‌علی(ع) بجنورد بسـتری است در حالت کما به‌سر می‌برد. یک منبع آگاه به «ایرنا» گفت: سـطح هوشیاری قاچاقچی اعدامی، از سوی پزشکان معالج شش‌درصد اعلام شده که در صورت افزایش‌نیافتن آن احتمال مرگ مغزی وی وجود دارد. وی گفت: پزشـکان معالج در شرایط کما و کاهش سـطح هوشـیاری، قادر به هیچ اقدامی برای عمل جراحی و دیگر معالجات نیسـتند و وضعیت این فرد همچنان ثابت اسـت. این مقـام آگاه گفت: مرگ این قاچاقچی پس از انجام اعدام، از سوی پزشک قانونی حاضر در مراسم تایید و جنازه‌اش به سردخانه منتقل شده بود. وی افزود: فردای روز اعدام وقتی خانواده وی برای تحویل جسدش مراجعه کردند پزشک سردخانه متوجه بخار روی نایلونی شد که جسد در آن قرار داشت. سپس این فرد برای مداوا به بیمارستان منتقل شد. این منبع آگاه درباره احتمال اعدام مجدد این قاچاقچی ماده مخدر شیشـه پس از معالجه و درمان گفت: باید قانون وضعیت این فرد را مشخص کند و هیچ‌کس نمی‌تواند خودسـرانه درباره اعدام‌شدن یا نشدن این فرد تصمیم بگیرد. وی اظهار کرد: در هر صورت باید منتظر وضعیت این قاچاقچی ماند و پس از درمان و سرپا شدن این فرد قانون تصمیم لازم را در این زمینه اتخاذ می‌کند بنابراین گمانه‌زنی رسانه‌ای جز ایجاد جو سوءاستفاده رسانه‌های بیگانه سـودی برای کشـور ندارد. این مرد ۳۷ساله از سه‌سال پیش به دلیل حمل یک کیلوگرم ماده مخدر شیشه در زندان به‌سر می‌برد.

سرقت‌های زنجیره‌ای دکتر قلابی با داروی بیهوشی



شـرق: مردی که با بیهوش‌کردن شهروندان اموال آنان را سـرقت می‌کرد، دسـتگیر شد. سـوابق کیفری این مرد نشان می‌دهد او قبلا نیـز با همین روش بارهـا دزدی انجام داده و در یک مـورد مالباخته پس از خوردن داروی بیهوشی جان باخته است. به گزارش خبرنگار مـا مردی روز ۲۶ شـهریور همراه همسـر و خواهرش با مراجعه به‌کلانتری بازار به ماموران اعلام کرد توسط شخصی بیهوش شده و مورد سرقت قرار گرفته است. مالباخته بعد از تشکیل پرونده به پایگاه هفتم پلیس آگاهی تهران معرفی شد و به‌کارآگاهان گفت: «از شهرستان به قصد خرید داروهای ام‌اس همسرم به تهران آمدیم. از میدان محمدیه، به‌صورت پیاده به سـمت بازار می‌رفتیم که در بین راه با مردی میانسـال که کت و شـلوار، عینک دودی و کیف در دست داشت آشنا شدیم. این شخص ضمن معرفی خود به‌عنوان پزشـک و متخصص داروساز مدعی شد صاحب داروخانه‌ای است و می‌تواند داروهای مورد نیاز بیماری همسرم را با قیمت بسیار ارزان برایمان تهیه کند.» مالباخته ادامه داد: «این فرد مدعی شـد حاضر اسـت برای من، همسر و خواهرم شـغلی در تهران تهیه کند. او به بهانـه صحبت‌کردن در این خصوص، از ما خواست همراهش به پارک شهر برویم. ما درباره شـرایط کار و میزان حقوق به توافق رسـیدیم و او گفت برای اسـتخدام به آزمایش خون و تسـت اعتیاد نیاز است. او به این بهانه چند کپسول زردرنگ را به ما داد و بلافاصله آنها را خوردیم اما چند دقیقه بعد بیهوش شـدیم و سـه روز بعد زمانی که به هوش آمدیم، خود را در بیمارسـتان مشاهده کردیم و متوجه شـدیم مبلغ پنج‌میلیون‌تومان پول خرید داروهای همسرم و همچنین طلاهای او به‌سرقت رفته است.» کارآگاهان در حال انجام اقدامات پلیسی در این زمینه بودند که روز ۹ مهر پرونده مشابه دیگری در اختیارشان قرار گرفت. این‌بار نیز زن و شوهر جوانی توسط پزشـک قلابی و به همان شگرد بیهوش شده و مورد سرقت قرار گرفته بودند.

این زن و شـوهر جوان به‌کارآگاهان گفتند: «برای تهیه وام به بانکی در خیابان بهشـت مراجعـه کردیم اما به علت نبودن رییس بانک، برای استراحت داخل پارک شهر رفتیم. در پارک فردی حدودا ۵۰سـاله و با ظاهری کاملا آراسته و مرتب به ما نزدیک شـد و ضمن معرفی خود به‌عنوان پزشـک گفت قصد دارد زن و شـوهری را به‌عنوان سـرایدار و همچنین برای کار در داروخانه اسـتخدام کند. وقتـی درخصوص میزان حقوق و شرایط کار به توافق رسیدیم به دعوت این شخص برای تنظیم قرارداد به مسافرخانه‌ای در منطقه باب همایون رفتیم و پزشک قلابی اتاق را اجاره کرد و سـپس گفت بـرای آزمایش خون و تسـت اعتیاد به آزمایشگاه برویم. این شخص از من و همسرم درخواسـت کرد کپسـول‌هایی را که او داده بود استفاده کنیم اما به محض خوردن آنها، هردو بیهوش شدیم. پس از به‌هوش آمدن دیدیم در بیمارسـتان هستیم و طلا و جواهرات همسرم به ارزش تقریبی ۱۰میلیون‌تومان به همراه کیف‌دستی حاوی ۷۰دلار، ۵۰۰هزارتومان وجه نقد و دو عدد گوشی تلفن همراه به‌سـرقت رفته است.» کارآگاهان وقتی دیدند ابعاد این پرونده رو به گسـترش اسـت با کمک مالباختگان به چهره‌نگاری از متهم پرداختند و ضمن مراجعه به مسافرخانه شناسـایی شـده در منطقـه بـاب همایون به بررسـی تصاویـر دوربین‌های مداربسـته مسـافرخانه پرداختند. آنها سپس تحقیقات خـود را روی تصاویر به دسـت آمده معطوف کردند و موفق شدند یکی از مجرمان سابقه‌دار را که مردی ۵۴سـاله به نام «محمدعلی. ک» اسـت، شناسـایی کنند. تمام سوابق کیفری محمدعلی به سرقت به شیوه بیهوشی مربوط بود. کارآگاهان در این مرحله فهمیدند متهم چند سـال پیش در جریـان یکی از سـرقت‌هایی که به این شـیوه انجام داده، باعث مرگ یکی از مالباختگان به علت عوارض ناشی از مصرف داروهای بیهوشی شـده بود. بنا بر اطلاعات موجود در پرونده محمدعلی وی روز ۱۰تیر از زندان آزاد شده بود و شواهد نشان می‌داد دوباره سـرقت‌های خود را از سر گرفته است. با توجه به سـوابق متهم و احتمال تردد او در مسافرخانه‌های منطقه باب همایون تصویر وی در اختیار مدیران مسافرخانه‌ها قرار گرفت تا در صورت شناسایی این فرد، بلافاصله موضوع به پایگاه هفتم پلیس آگاهی اعلام شـود. کارآگاهان سرانجام ساعت ۲۳ روز پنجشـنبه هفته پیش اطلاع پیدا کردند محمدعلی همراه زن و مـرد جوانی به یکی از مسـافرخانه‌های باب همایون مراجعه کرده اسـت. آنها بلافاصله به این مسافرخانه رفتند و توانستند «محمدعلی» را در حالی‌که زن و مرد جوان را بیهوش کرده بود و قصد داشت اموال آنها را سرقت کند، غافلگیر کنند. متهم به محض مشاهده پلیس قصد داشـت با خوردن چندین عدد از کپسـول‌های همراه خود اقدام به خودکشی کند اما با واکنش سـریع ماموران دسـتگیر و همزمان زن و مرد بیهوش نیز به بیمارستان منتقل شدند. «محمدعلی» وقتی تحت بازجویی قرار گرفت به جرایمش اقرار کرد و در ادامه تحقیقات محل نگهداری اموال مسروقه در خیابان خیام شناسایی شد و ماموران در آنجا وسایل گریم چهره، چندین دست کت و شلوار، انواع عینک‌های دودی و کیف و انواع قرص‌ها و آمپول‌های بیهوشـی را کشـف کردند. زن جوانی در همان زمان که پلیس در حال تحقیق از متهم بود نزد ماموران مراجعه و شکایت تازه‌ای را مطرح کرد. او گفت: «روز ۲۰مهر وقتی داشـتم از مترو ایستگاه انقلاب بیرون می‌آمدم مرد میانسالی نزد من آمد و ضمن معرفی خود به‌عنوان پزشک و متخصص پوست مدعی شد دارویی در اختیار دارد که مصرف آن باعث از بین رفتن جوش‌های صورت خواهد شد. او به این بهانه کپسولی را به من داد و از من فاصله گرفت. کپسول را تا میدان آزادی همراه خودم داشـتم و در آنجا آن را خوردم و بعد از آن در فضای سـبز میدان آزادی بیهوش شدم. پس از پنج روز در بیمارستان به هوش آمدم و در آنجا به من گفته شد مرا در پارکی در جنت‌آباد پیدا کرده‌اند.» سـرهنگ عباسعلی محمدیان، رییس پلیس آگاهی تهران با تایید این خبر گفت: «با توجه به سوابق متهم در ارتکاب جرایم مشابه و احتمال افزایش شکات پرونده، مجوز انتشار بدون پوشش تصویر او از سوی مقام قضایی صادر شده است و از همه شکاتی که توسط متهم مورد سرقت اموال، کلاهبرداری، آزار و اذیت و... قرار گرفته‌اند دعوت می‌شود برای پیگیری شکایات خود به پایگاه هفتم پلیس آگاهی مراجعه کنند.»

رخداد

کارآگاهان در یک قدمی عامل قتل‌عام خانوادگی

● **مهـر:** رییس پلیس آگاهی تهران بزرگ گفت: پلیس در یـک قدمی عامل قتل اعضای خانـواده‌ای در خیابان قزوین تهران است. این جنایت ۲۳مهر در تماس ساکنان خیابان شهید کاظمی در محله قزوین با پلیس فاش شد. در ادامه تیمی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی همراه بازپرس ویژه قتل تهران در محل جنایت حاضر شـدند. کارآگاهان پس از ورود به خانه با جسـد مریم ۴۷ساله و پسـر ۱۵ساله‌اش به نام مسعود روبه‌رو شدند که بر اثر اصابت جسـم سخت به سرشـان از پا در آمده بودند. در بازرسی خانه جسـد دختر ۲۵ساله این خانواده به نام پروین نیز در اتاق خوابش کشـف شـد. دختر جوان بر اثر خفگی جان خود را از دسـت داده بود. بررسی محل جنایت نشان داد عامل این قتل با قربانیان خود آشنایی داشته و به‌راحتی وارد خانه شده است. همچنین سرقت نشدن وسایل از قتل با انگیزه انتقام‌جویی حکایت داشت. از سوی دیگر بررسی صحنه قتل نشان می‌داد قاتل ابتدا مادر و فرزند را به قتل رسانده و سپس سراغ پروین رفته و او را خفه کرده است. وی همچنین برای منحرف‌کردن مسیر تحقیقات اقدام به برهم زدن صحنه جرم کرده بود. کارآگاهان پس از بررسی خانه قربانیان به تحقیق از اهالی پرداختند که آنها مدعی شـدند با صدای فریادهای پدر خانواده متوجه این جنایت شـدند و موضوع را به پلیس اطلاع دادند. ماموران سـپس به بازجویی از پدر خانواده پرداختند که او گفت: «قرار بود امروز- روز حادثه -همسر و فرزندانم به خانه دختر بزرگم در یکی از شهرهای اطراف تهران بروند اما به‌طور ناگهانی تماس آنها با من قطع شد به همین دلیل خود را به خانه رسـاندم و با جسـد آنها روبه‌رو شـدم» در بازرسی از سـاختمان نیز چوبدستی خون‌آلودی در پشـت‌بام خانه کشف شد که کارآگاهان احتمال دادند مریم و مسعود با ضربات این چوب‌دستی به قتل رسـیده‌اند. سرهنگ عباسعلی محمدیان، رییس پلیس آگاهی تهران بـزرگ در این‌باره گفت: کارآگاهان در جریان تحقیقات خود رد قاتل آشنا را در این جنایت کشف کردند و به احتمال قوی به‌زودی عامل این جنایت دستگیر خواهد شـد. وی افزود: هویت قاتل تا حدودی برای ما مشـخص شده اما در حال حاضر نمی‌توانیم این موضوع را رسانه‌ای کنیم.

تحقیق از عوامل انفجار در زندان ایلام ادامه دارد

● **ایسنا:** دادستان عمومی و انقلاب ایلام گفت: سه‌نفر از کسانی که به سوی در زندان مرکزی ایلام نارنجک پرتاب کرده بودند بازداشت شده‌اند و تحقیقات از آنها ادامه دارد. حشمت شریفی اظهار کرد: محکوم‌علیه به‌نام «ع. ف» به اتهام قتل عمد «الف. ه» به قصاص نفس محکوم و حکم وی در دیوانعالی کشور تایید شد که پس از استیذان از ریاست قوه‌قضاییه، حکم صادره در سحرگاه روز دوشنبه ۲۲مهر در محل زندان مرکزی ایلام و توسط اولیای‌دم مقتول اجرا شـد. وی تصریح کرد: قبل از اجرای حکم تعدادی از بستگان محکوم‌علیه با تجمع در اطراف زندان برای جلوگیری از اجرای حکم قصاص اقدام به قطع برق زندان مرکزی ایلام و خیابان‌های اطراف کردند و با پرتاب دو عدد نارنجک تعدادی از پرسنل نیروی انتظامی و افراد حاضر در محل را مجروح کردند. دادسـتان ایلام ادامه داد: بلافاصله مجروحان برای مداوا به بیمارستان منتقل و سـه‌نفر از عوامل پرتاب نارنجک دستگیر و بازداشت شدند و همچنان تحقیقات در این زمینه از عوامل حادثه ادامه دارد.

بازداشت فردی ملقب به هوش سیاه

● **ایسـنا:** دادیار شـعبه یازدهـم دادسـرای کرمان از دسـتگیری فردی ملقب به هوش سـیاه خبر داد که از سوی پلیس ۱۸ استان و همچنین اینترپل تحت تعقیب بود. محمدعلی سـلیمانی گفت: متهم بـا تعریف و ارایه فیلترشکن رایگان در سایت‌های پرطرفدار مجاز و غیرمجاز اقدام به کلاهبرداری از اطلاعات شخصی افراد می‌کرد. وی ادامه داد: کاربران به‌راحتی هنگام خرید اینترنتی رمز دوم کارت خود را در سیستم ثبت می‌کردند و متهم به‌راحتی به آن دسترسـی پیدا و سوءاستفاده می‌کرد. سلیمانی با بیان اینکه این متهم تحت تعقیب اینترپل نیز قرار دارد، تصریح کرد: تاکنون ۱۶۰میلیون‌تومان کلاهبرداری این فرد از حساب‌های افراد مشخص شده است. دادیار شعبه یازدهم دادسرای کرمان گفت: پلیس بین‌الملل هفت‌رنگ را بـرای مجرمان تعیین کـرده که گویای نوع مجرمیت متهم اسـت و برای این فرد اعلان رنگ نارنجی شده بود. متهم علاوه بر ایران در کشـورهای دیگر نیز شاکی دارد. وی به کاربران فضای مجازی هشدار داد برای فعالیت‌های اینترنتی خود از سایت‌های معتبر استفاده کنند.

بـریده اخبـار

رییس پلیس آگاهی استان کرمان از دستگیری اعضای باندی خبر داد که قصد داشتند با گروگانگیری خانواده‌های طلافروشان در کرمان، به صورت سریالی از مغازه‌های طلافروشی سرقت کنند.

خودرو بنزی در محور یزد- شیراز با سرعت ۱۸۵کیلومتر در ساعت توسط تیم کنترل سرعت پلیس راه متوقف شد.

اعضای باندی بعد از دستگیری توسط پلیس استان فارس به سرقت ۲۲موتوسیکلت اعتراف کردند.

فرم درخواست اشتراک روزنامه شرق در تهران

کلیه متقاضیان محترم می‌توانند هزینه اشـتراک خود را براسـاس مبالغ مندرج در جدول ذیل به شماره حساب ۶۸۶۸۹۵ نزد بانک سپه شعبه میرزا کوچک‌خان (قابل پرداخت در کلیه شعب) به نام محمدامیر مظاهری واریز و اصل سند بانکی مربوطه را به همراه فرم تکمیل شده ذیل به یکی از سه طریق زیر به دفتر امور مشترکین تحویل فرمایند.

۱- تماس با شماره تلفن‌های ۳۲- ۸۸۸۱۴۲۳۰ جهت اعزام مامور برای دریافت مدارک.

۲- مراجعه به آدرس دفتر واقع در خیابان میرزای شیرازی - نبش کوچه نهم- پلاک ۴۹- طبقه فوقانی بانک سپه

۳- ارسال از طریق دورنگار به شماره ۸۸۸۴۱۲۷۹

شرایط اشتراک

۱- ساعت تحویل روزنامه ۵ صبح الی ۱۰ صبح می‌باشد.

۲- شروع ارسال روزنامه برای متقاضیان که درخواست خود را به صورت کامل تحویل داده‌اند، حداکثر ۱۵ روز بعد از تحویل مدارک خواهد بود.

۳- مبالغ مندرج در جدول بابت یک نسخه اشتراک می‌باشد.

۴- نوشتن کد پستی و شماره تلفن در فرم ضروری می‌باشد.

۵- در صورت عدم دریافت روزنامه مراتب را به امور مشترکین اطلاع دهید، در صورت عدم اطلاع به منزله دریافت تلقی می‌شود.

توجه: لطفا کپی فیش بانکی را تا پایان اشتراک نزد خود نگه دارید.

مدت	۳ ماهه	۶ ماهه	۹ ماهه	۱۲ ماهه
قیمت (ریال)	۷۵۰/۰۰۰	۱/۴۵۰/۰۰۰	۲/۱۵۰/۰۰۰	۲/۸۵۰/۰۰۰

رسید دریافت فیش یا وجه نقد

بدین‌وسیله ..... ریال وجه نقد ☐ فیش ☐ چک ☐ بشرح زیر جهت اشتراک ..... نسخه روزنامه شرق

به مدت ..... ماه از مشترک شماره ..... به نام ..... دریافت نمودم.

نحوه پرداخت	شماره فیش/چک	تاریخ	نام بانک	نام شعبه	کد شعبه	مبلغ

نام و نام خانوادگی دریافت کننده: ..... امضاء دریافت کننده: .....

توجه: لطفا نحوه مطلوب دریافت روزنامه را اعلام دارید:

مدت اشتراک: ۳ماهه ☐ ۶ماهه ☐ ۹ماهه ☐ ۱۲ماهه ☐ کد اشتراک ..... تعداد نسخ اشتراک .....

مشخصات متقاضی

نام: ..... نام‌خانوادگی: ..... نام موسسه: .....

آدرس دقیق: .....

کدپستی: ..... تلفن: ..... نمابر: .....

امضای متقاضی: